

ایثار یا استیثار؟ کدام یک در منابع فقهی ستوده شده‌اند؟

میلاذ دهقانی

دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد

milad.dehghani@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

soltani@um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولت‌شانلو

دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد

m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

چکیده

ضرورت زیست اجتماعی انسان، مقتضی ترجیح منافع عمومی بر امیال فردی است درحالی که گزینه و طبیعت انسان به ترجیح خواسته‌های خود و تمامیت‌خواهی حکم می‌کند. این کشمکش از ابتدای آفرینش بشر در کشاکش اعصار و در تمامی امصار جریان داشته است. ایثار و گذشت از ارزش‌های مهم و اساسی در زمینه فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود و به‌معنای دیگرگزینی و گذشتن از خود به سود دیگران است و از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رود. نقطه مقابل ایثار، استیثار است که به معنای خودگزینی و منفعت خود را مقدم داشتن است که از رذایل اخلاقی به‌شمار آمده و مورد مذمت قرار گرفته است. گزینه و طبیعت بشر همیشه اینگونه است که خود را بر دیگران مقدم می‌دارد و این خودگزینی علت اصلی تباهی فرد و جامعه، سقوط انسان از مرتبه انسانیت، تبعیض حقوقی و محرومیت است. اما ایثار جایگاه ارزشی والایی دارد و در دین اسلام از نشانه‌های مؤمنان به‌شمار می‌رود. در روایات بسیاری نیز به ایثار و فداکاری سفارش شده و برای آن اجر و پاداش در نظر گرفته شده است. دستاورد این تحقیق – که با روش توصیفی تحلیلی تدوین شده – این است که با توجه به اهمیت و ارزش والای ایثار در جامعه و تأکید خداوند در آیات مختلف قرآن و سخنان امامان معصوم در روایات ضرورت می‌یابد، به صورت جزئی و دقیق‌تر مبانی ایثار و استیثار در فقه و حقوق اسلامی مورد تحقیق قرار گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که با توجه به مبانی و منابع فقه و حقوق اسلام، با این که استیثار و خودخواستن امری غریزی و طبیعی است و می‌تواند منافی چون حفظ جان داشته باشد اما ایثار و دگرخواهی است که موجب زندگی سعادتمندانه در دنیا و آخرت خواهد شد.

کلیدواژگان: ایثار، استیثار، سعادت انسان، منافع عمومی، امیال فردی، منابع فقه.

مقدمه

یکی از اصول اخلاقی مهم در جامعه که باعث انسجام و بقای جامعه انسانی و تداوم و پیشرفت آن می‌شود، موضوع ایثار است. ایثار از موضوعات علم عملی یعنی علم اخلاق است و پیش از آنکه پدیده‌ای اجتماعی باشد، امری انسانی و متعلق به فطرت عدالت‌خواه انسان‌ها و جامعه بشری است. فرهنگ ایثار عمری به درازای عمر بشر دارد و با آفرینش انسان قرین است. در تمام فرهنگ‌ها ایثار و از خودگذشتگی ستوده می‌شود و از مقوم‌های جامعه محسوب می‌گردد. چنین ارزش مهم بشری از دیرباز مورد توجه ادیان و ملل مختلف قرار گرفته و بازتاب گسترده‌ای در ادبیات، تاریخ و اساطیر ملی و مذهبی تمام ملل از جمله ایران داشته است. ایثار به عنوان نیکوترین احسان یکی از ارزش‌های والای انسانی به‌شمار آمده و جزء بهترین اعمال در جامعه است که دارای ارزش معنوی و روحانی بسیاری می‌باشد. ایثار در فرهنگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام به عنوان اوج وارستگی مؤمن و نشانه بارز پیوستگی به خدا و مکتب تلقی شده و در قرآن از آن برای آمودن صلاحیت رهبری و امامت نام برده شده است. دین مبین اسلام نیز درباره ایثار سخن گفته و آن را از بالاترین درجه شخصیت و بزرگواری فرد به‌شمار می‌آورد. در حقیقت با ایثار و از خودگذشتگی، محیطی فراهم می‌شود که دیگران در کمال آرامش و آسایش به کار و تلاش خود بپردازند. به همین دلیل است که می‌گویند شهدا، شمع محفل بشریت‌اند. از طرف دیگر خودگزینی یا استیثار از رذایل اخلاقی به‌شمار آمده و جزء خطرناک‌ترین آفت‌های جامعه است. استیثار و استبداد در تمامی زمینه‌ها چه مدیریت، سیاست، اقتصاد و مذهب چیزی جز ویران کردن وحدت و نابودی فرد و جامعه در پی ندارد. هرچه ایثار خوب و سومند است و موجب فلاح و کمال اخلاقی می‌گردد، استیثار برای جامعه مخرب و زیانبار است. می‌توان گفت ایثار و استیثار دو نقطه مقابل هم هستند که یکی دارای بار ارزشی مثبت و دیگری بار منفی است، یکی موجب پیشرفت و دیگری موجب پسرفت می‌شود. حال باید دید که فقه اسلامی چه دیدگاه و نظری نسبت به این دو دارد، کدامیک را می‌پسندد و به آن ارجح می‌دهد؟ در حقیقت هدف از این پژوهش این است که مبانی فقهی ایثار و استیثار را دریابیم و ببینیم که کدامیک با مبانی فقهی سازگارند؟

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. به این صورت که ابتدا مطالعات مقدماتی درباره موضوع تحقیق صورت گرفته سپس منابع از میان کتاب‌های لغت، معجم، اخلاق و کتاب‌های روایی و قرآن کریم جمع‌آوری گردیده است. هم‌چنین از پایان‌نامه و مقالات نیز در این تحقیق استفاده شده است و با توجه به موضوع تحقیق، مطالب مرتبط با بحث از این منابع، استخراج و فیش‌برداری شده و در نهایت این مطالب فیش‌برداری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با ارجاع دقیق به منبع اصل به رشته تحریر درآمده‌اند. در این مقاله ابتدا ایثار و استیثار مفهوم شناسی می‌شود، اقسام ایثار و استیثار و ابعاد و مراتب ایثار بیان می‌شود. سپس به توضیح مختصری درباره اهمیت ایثار و آثار ایثار و استیثار بر روی فرد و جامعه پرداخته می‌شود و در نهایت به مبانی فقهی ایثار و استیثار پرداخته می‌شود. پس از بررسی و کنکاش فراوان درباره موضوع «ایثار یا استیثار؟ کدامیک با مبانی فقهی سازگارند؟» این نتیجه به دست آمد که درباره ایثار و استیثار آثاری چند از کتاب، پایان‌نامه و مقاله به رشته تحریر درآمده است ولی درباره این موضوع خاص که «ایثار یا استیثار؟ کدامیک با مبانی فقهی سازگارند؟» تحقیقی به صورت جامع و دقیق صورت نگرفته است. با توجه به قداست ایثار و از خودگذشتگی و اثرات و تبعاتی که از خود بر جای می‌گذارد، پژوهش و بررسی موضوع «ایثار یا استیثار؟ کدامیک با مبانی فقهی سازگارند؟» ضروری می‌نماید و شایسته است که به صورت دقیق‌تر به آن پرداخته شود؛ چرا که موضوعی مهم و تأثیرگذار در جامعه است و رشد و گسترش آن در جامعه عواقب خوبی به دنبال دارد.

تعاریف

ایثار: ایثار در لغت به معنای «برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است» (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه ایثار) در معجم مقائیس اللغة آمده: «تَقْدِيمُ الشَّيْءِ ، وَذِكْرُ الشَّيْءِ ، وَرَسْمُ الشَّيْءِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۳) ایثار در اصطلاح «بخشیدن چیزی در صورتی که خود فرد به آن نیاز دارد» (نراقی، بی تا، ج ۲: ۱۲۳؛ المهدی، بی تا، ج ۲: ۲۲۷) در آیه ۹ سوره حشر چنین آمده است: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» آنان را بر خود ترجیح می دهند گرچه خودشان را نیاز شدیدی به مال و متاع باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲) ایثار از باشکوه ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان های بزرگ به این قله بلند صعود می کنند. ایثار نمود و نماد دیگرخواهی آدمیان است و روح انسان دوستی آن ها را به نمایش می گذارد. (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۳ و ۱۴) همچنین نیت و انگیزه شخص ایثارگر باید الهی بوده و فقط رضا و خشنودی خدا باشد و لا غیر. در واقع ایثار، یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می دارد. ایثار یکی از باشکوه ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستود. ایثار مقام انسانی فوق العاده باشکوهی است و اسلام آن را ستوده و ستایش کرده است. (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

استیثار: استیثار در لغت به معنای «برگزیدن گزیده ها خویش را نه باران را و برای خود برگزیدن امری است» (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه استیثار) در لسان العرب آمده است: «إِسْتِثَارٌ بِالشَّيْءِ عَلَىٰ غَيْرِهِ: خَصَّ بِهِ نَفْسَهُ وَاسْتَبَدَّ بِهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۸) یعنی در چیزی بر دیگری استیثار ورزید؛ آن چیز را به خود اختصاص داد. راغب اصفهانی می گوید: «استیثار التفرد بالشئ من دون غيره» (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱: ۱۰) یعنی در انحصار قرار دادن چیزی بدون اینکه دیگران را در آن دخیل کند. استیثار در اصطلاح «چیزی را به انحصار در آوردن، چیزی را ویژه خود گردانیدن است» (محمودی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۶) محمودی می گوید: «استیثار یعنی خود را بر دیگری مقدم کردن» (محمودی، ۱۹۶۸، ج ۵: ۱۱۱)

اقسام ایثار و استیثار

ایثار از منظر روایات اسلامی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- ایثار ستوده یا مثبت: ایثار ستوده، ترجیح دادن منافع و خواسته های دیگران بر منافع خویش به صورت آگاهانه و به خاطر رضای خدا است.

۲- ایثار نکوهیده یا نامعقول: ایثار و فداکاری در جبهه باطل و به ناحق. چنین ایثاری حسرت و پشیمانی به دنبال دارد. چنان که در ۳۶ سوره انفال آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ» مسلماً کسانی که کافرند، اموالشان را هزینه می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند و به زودی همه اموالشان را (برای جلوگیری از گسترش اسلام) خرج می کنند؛ سپس (این عمل) برای آنان مایه حسرت و ندامت می شود (زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده اند و اسلام هم گسترش یافته) و آن گاه مغلوب می شوند و آنان که کافرند به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲)

استیثار نیز به دو بخش تقسیم می شود:

۱- استیثار ستوده: استیثار ستوده، انحصار کردن حقوق به خویش بر اساس موازین عقلی است؛ مانند منحصر کردن خود به اموال شخصی. در روایت ذیل خداوند بخشی از علم را به خود اختصاص داده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ لِلَّهِ عِلْمِينَ عَلِمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ رَسُولَهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتَهُ وَ رَسُولَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَ عَلِمَا اسْتَأْثَرَ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَاهُ ذَلِكَ وَ عَرَضَ عَلَيَّ الْأُئِمَّةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا» (صغار، بی تا، ج ۱: ۳۹۴)

۲- استیثار نکوهیده: استیثار نکوهیده، انحصار کردن حقوق به خود بر خلاف عقل و فطرت است که این خود دو نوع است. گاهی استیثار نکوهیده باعث تجاوز به حقوق دیگران است و گاهی فقط کاری بر خلاف ایثار و عقل است. بحث ما در این تحقیق، درباره ایثار ستوده و استیثار نکوهیده‌ای است که متجاوز حقوق دیگران است.

مراتب ایثار

ایثارگر کسی است که برای رفاه دیگری و مافع او در راه رضای خدا از خواسته‌ها و علائق خویش چشم می‌پوشد. ایثار دارای مراتب و گونه‌های مختلفی است:

ایثار جان، مال، علم و آبرو: ایثار گاه با فدا کردن جان، گاه با دادن مال و گاه با دادن آبرو اعتبار صورت می‌گیرد. در ایثار مالی، ایثارگر اموال و دارایی خویش را با وجود اینکه خود به آن نیاز دارد به دیگری می‌بخشد. ایثار جانی از ایثار مالی پراهمیت‌تر است. چرا که در این نوع ایثار، شخص حاضر است جان خود را که عزیزترین چیز در نزد هر کسی است، فدای دیگران کند یا به اصطلاح جانفشانی کند. اوج ایثار و فداکاری شهادت است که مرتبه انسان کامل است و از بهترین نمونه‌های آن ایثار امام علی در لیلۃ المبیت و شهادت امام حسین (ع) و یارانش در کربلای بود که به زیباترین شکل ممکن به ظهور رسید. ایثار و جوانمردی‌ای که باعث شد یاد اسلام برای همیشه در ذهن‌ها باقی بماند. در آیه ۲۰ سوره توبه از ایثار مال و جان سخن گفته شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا، بزرگ‌تر و برتر است و فقط اینانند که کامیابند. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۲) عطاء علم یکی از انواع ایثار است. علمی که خدا به امانت نزد انسان نهاده را از طرق مختلف مانند تدریس، وعظ و خطابه، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن می‌توان ایثار کرد. (سامانی، ۱۳۹۱: ۳۸) کسانی نیز از آبرو و اعتباری که در جامعه در نزد دیگران دارند برای اشخاص مایه می‌گذارند تا آبروی آنان حفظ شود.

ایثار فردی و اجتماعی: ایثار هم ممکن است ارزشی فردی به‌شمار آید و هم در رده ارزش‌های جمعی و اجتماعی قرار گیرد. وقتی فردی خاص به شکل‌های مختلف دیگری را بر خویش مقدم می‌دارد و در رفع نیازهای او بکوشد، ایثار فردی است اما زمانی که تعداد زیادی از افراد در راه آرمان یا هدفی والا از بذل جان و مال و آبرو و دیگر داشته‌هایشان دریغ نمی‌ورزند، ایثار جنبه عمومی می‌یابد و در زمره ارزش‌های اجتماعی جای می‌گیرد. (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۹۳: ۴۸ و ۴۹) بهترین نمونه ایثار اجتماعی در دوران معاصر، هشت سال دفاع مقدس است که در طول این سال‌ها، انسان‌های زیادی برای دفاع از جان، مال، ناموس و امنیت کشورشان، جنگیدند و جان خویش را فدا کردند.

ابعاد ایثار

ایثار دارای ابعاد مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

اجتماعی: بعد اجتماعی ایثار ناظر به رفتارهای ایثارگرانه‌ای است که فرد در ارتباط با دیگران، خانواده، بستگان، دوستان، همکاران، افراد کوچک و بزرگ، همسایگان و همه کسانی دارد که به نوعی با آن‌ها مرتبط است. در بعد اجتماعی ایثار فرد جدا از دیگران نگریده نمی‌شود بلکه فردیت او نیز مورد توجه قرار می‌گیرد اما از آنجا که میان حقوق فردی و اجتماعی تزاخم ایجاد می‌شود توصیه می‌شود ایثارگرانه از حق خود در مقابل دیگران بگذرد. ایثار در بعد اجتماعی سبب حفظ و ثبات ارزش‌های جامعه شده و به تحکیم جامعه کمک شایانی خواهد کرد. (عزیزی، ۱۳۹۳: ۳۱)

سیاسی: ایثار بر روی سیاست و پیشرفت‌های سیاسی اثرگذار است. در این نوع ایثارگری، شخص شکنجه و محرومیت را تحمل می‌کند و با فدا کردن خود، از کشور و ملیتش دفاع می‌کند و آینده درخشان و تابناکی در حاکمیت کشور خود رقم می‌زند که بهترین نمونه آن را می‌توان در دوران انقلاب اسلامی نظاره کرد.

فرهنگی: فرهنگ هر جامعه‌ای نمود و بازتاب ارزش‌های حاکم در آن جامعه است و هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. ایثار به عنوان یک فرهنگ متعالی و حرکت‌آفرین قادر است که فضای جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد. فرهنگ ایثار در جامعه می‌تواند ریشه مفاسد فردی و اجتماعی را بخشکاند و آن جامعه را به تعالی برساند. پس باید از همان کودکی به افراد، ایثار و گذشت را آموخت و این فرهنگ را از کودکی در وجود انسان‌ها نهادینه کرد؛ چرا که فرهنگ ایثار، آثار شگرف و عظیمی در جامعه بر جای می‌گذارد.

اقتصادی: بعد اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است. پیشرفت اقتصادی هر جامعه‌ای مرهون ایثار و از خودگذشتگی در زمینه اقتصادی است؛ چرا که ایثار بر امور اقتصادی و توسعه و رکود آن تأثیر به‌سزایی دارد و ایثارگر با بذل ثروت و اموال خود و عدم امتیازخواهی، فقر را از جامعه ریشه‌کن می‌کند و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد که این سبب سازندگی جامعه خواهد شد.

اهمیت و آثار ایثار و استیثار

ایثار در تمام جوامع بشری یکی از بنیان‌های اصلی فرهنگ به‌شمار می‌رود. اهمیت و جایگاه ایثار به اندازه‌ای است که هر ملتی هویت خود را در گرو ایثار و فداکاری و پایبندی به آن می‌داند. جایگاه ایثار در میان احساسات در بالاترین مرتبه قرار دارد و مقدس‌ترین احساس و هیجان انسان است که لذت روحی‌اش شیرین و اوج ایمان، نماد دین و کمال انسانیت است. ایثار باعث افزایش روحیه مقاومت می‌شود و در سازندگی انسان نیز مؤثر است. کسی که ایثار می‌کند تقریباً تمام صفات نیک اخلاقی در شخصیت او شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، ایثار، میانبری به قله فضایل و رهایی از تمام رذایل است؛ زیرا ایثارگر توانسته است بر رذیلت‌ها فائق آید و فضایل روحی را در خود رشد دهد. (رحمانی، ۱۳۹۱: ۹۲) ایثار بالاترین بزرگواری، برترین عبادت و سخاوت، خوی نیکان و نشانه صداقت دوست است. ایثار دارای آثار فردی و اجتماعی ذیل است:

ایثار فردی: ایثار باعث رسیدن بشر به کمال انسانیت است و او را به انسان الهی تبدیل می‌کند. ایثارگر خشنودی خدا را در نظر می‌گیرد و به همین خاطر در وجود خود احساس شور و نشاط می‌کند و به آرامش روحی و روانی می‌رسد. ایثار موجب فلاح و

رستگاری، آموزش، قرار گرفتن در زمره نیکوکاران، جلب رأفت الهی، تزکیه نفس و سازندگی او می‌شود. چنین شخصی علاوه بر اینکه محبوب خداست در نزد مردم نیز محبوبیت خاصی دارد؛ چون با ایثار، شخص در دل‌ها نفوذ کرده و به آرامش روحی و روانی می‌رسد.

ایثار اجتماعی: ایثار در جامعه باعث بازدارندگی دشمن، شکست استکبار و تأمین امنیت ملی است. باید اذعان کرد که دوام و پایداری اسلام در طول تاریخ مدیون جهاد و ایثار شهیدان بوده است. کارایی ایثارگری هر ملت در برابر تهاجم نظامی دشمن بسیار کارساز و با اهمیت تلقی می‌شود و ایثار می‌تواند یکی از منابع مهم قدرت ملی نظام هر کشور باشد. (سامانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴ و ۱۰۵) فرهنگ ایثار در جامعه می‌تواند بحران‌های اجتماعی را کنترل کند، ریشه فقر را از بین ببرد و اقتصاد آن جامعه را تا سر حد خودکفایی برساند که دیگر نیازی به دیگر ملت‌ها نداشته باشد و به استقلال برسد. کشوری که در آن فرهنگ ایثار وجود دارد، دارای هویت است و کشورهای صاحب هویت را نمی‌توان محو کرد. فرهنگ ایثار بعد مادی و معنوی امنیت را تأمین می‌کند و در ایجاد و حفظ آن تلاش می‌کند. (مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت: ۱۹۴) فرهنگ ایثار در جامعه نشاط و سرور می‌آفریند و مردم را برای دفاع از کشور دفاع می‌کند. این افراد از شهادت باکی ندارند و آن را سر منزل مقصود می‌دانند. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آثاری که از شهادت در جامعه بر جای مانده، مبحث درخشانی اسلام است. شهدا با اهدای خون و جان، اسلام را در جامعه ماندگار کردند و از رخنه دشمن برای خاموشی این چراغ پر فروغ جلوگیری کردند. (قربانی، ۱۳۹۴: ۴۰) در حقیقت نبود ایثار در جامعه موجب فروپاشی آن جامعه خواهد شد؛ چرا که اساس هر جامعه‌ای بر پایه ایثار است. به این صورت که نیاز دیگران، نیاز ماست و برای رشد فردی، اجتماعی و تعالی روحی خود باید نیاز دیگران را رفع کنیم. ایثارگران در جامعه از پشتوانه شخصیتی برخوردارند و جامعه برای این افراد شخصیت فوق‌العاده‌ای قائل است و به آنان بهای زیادی می‌دهد.

در مقابل ایثار، استیثار قرار دارد. استیثار عامل تباهی جامعه است و آن را به اضمحلال می‌برد. اسلام از استیثار منع کرده است و اهل استیثار به سرمایه‌داران پرنفوذی گفته می‌شود که با نفوذ در دستگاه حکومت‌ها، اموال عمومی و منابع طبیعی و ملی همانند مالکیت بر مراتع، معادن، جنگل‌ها و دریاها و یا امتیاز تولید یا تجارت، کالایی خاص را در اختیار و انحصار خویش در می‌آورند و از این راه به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند. (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۴۴۱) استیثار مانع اجرای عدالت و سبب تبعیض است. انسان در اثر استیثار و انحصارطلبی و حق ویژه قائل شدن برای خود و آنچه به خود وابسته است، به مرزبندی بین اشخاص و اشیا می‌پردازد و در میان آن‌ها تفاوت می‌نهد، تبعیض قائل می‌شود و بدین‌سان قوی‌ترین و فراگیرترین مانع اجرای عدالت شکل می‌گیرد. گاهی استیثار ملاکی برای مرزبندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و سمت‌گیری سیاسی، شخص را در جهتی قرار می‌دهد که تأمین‌کننده استیثار او باشد و بی‌کفایتی‌ها بر قابلیت‌ها حکومت می‌کند. (لطیفی، ۱۳۷۹: ۳۷) از آثار دیگر استیثار، سودجویی و امتیازطلبی است. در جامعه همواره افرادی هستند که به تمام مسائل به شکل منفعت‌طلبی می‌نگرند. اگر چیزی برایشان سودآور باشد، آن را انجام می‌دهند. آن‌ها همه چیز را از منظر منافع خود ارزیابی می‌کنند و امتیازات و حقوق ویژه‌ای برای خود قائل هستند و گل سر سبد همه چیز را به خود اختصاص می‌دهند.

مبانی فقهی ایثار و استیثار

دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به فرهنگ ایثار با توجه به اثرگذاری آن در تمام ابعاد فردی و اجتماعی، توجه ویژه‌ای داشته است. ایثار در قاموس اسلامی، تضمینی برای عزت اسلام و پویایی آن است؛ چرا که ایثار در نزد مسلمانان از

جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قرآن و سنت به آن اهمیت داده است. می‌توان گفت که فضیلت ایثار و رذیلت استیثار مبنای فقهی دارند. حقوق اسلامی نیز که برگرفته از فقه است و بر مبنای آن ایجاد شده است، این مبانی را تأیید می‌کند. پس ایثار و استیثار مبنای فقهی حقوقی دارند و در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) در کتاب‌های گرانقدری چون نهج‌البلاغه، غررالحکم و صحیفه سجادیه بارها از فضیلت ایثار و رذیلت استیثار سخن گفته شده و برای ایثارگر منزلت و جایگاه رفیعی در نظر گرفته شده است. این موارد بشمار است و در اینجا فقط به ذکر مواردی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

آیات قرآن کریم درباره فضیلت ایثار

در قرآن کریم هم‌خانواده‌های واژه «ایثار» در آیه ۹۱ سوره یوسف به صورت «اتَّكْرَ»، آیه ۳۸ سوره نازعات به صورت «اَثْرَ»، آیه ۱۶ سوره اعلی به صورت «تُؤْتِرُونَ»، آیه ۷۲ سوره طه به صورت «نُؤْتِرَكَ» و آیه ۹ سوره حشر به صورت فعل «يُؤْتِرُونَ» آمده است. که در میان این آیات، فقط آیه ۹ سوره حشر دلالت بر ایثار دارد و در مابقی آیات فقط لفظ ایثار آمده است و دلالتی بر مفهوم ایثار ندارند.

آیه ۹ سوره حشر: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

ترجمه آیه: و برای کسانی از انصار است که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان جای گرفتند و کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند، دوست دارند و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است، نمی‌یابند و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی (به مال و متاع) باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند.

در المیزان آمده است: «ایثار به معنای اختیار و مقدم کردن چیزی بر غیر آن است.» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۹: ۲۰۶) این آیه را، آیه ایثار نامیده‌اند. درباره شأن نزول این آیه ۵ احتمال وجود دارد اما ایثار امام علی علیه السلام به مقدار، از سایر احتمالات قوی‌تر است. شأن نزول این آیه اینگونه است که مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و به او از گرسنگی شکایت کرد. رسول خدا (ص) او را به نزد همسرانش فرستاد و همسران گفتند: چیزی جز آب نزد ما نیست. پیامبر (ص) گفت: چه کسی امشب، این مرد را غذا می‌دهد؟ امیرالمؤمنین (ع) گفت: من، یا رسول الله! پس به نزد فاطمه (س) آمد و از او پرسید: ای دختر رسول خدا در نزد تو چه چیزی است؟ حضرت فاطمه (س) گفت: نزد ما چیزی جز غذای دختر بچه نیست ولی آن را برای مهمان امشب ایثار می‌کنیم. حضرت علی (ع) گفت: ای دختر محمد! دختر بچه را بخوابان و چراغ را خاموش کن تا غذا خوردن و کم بودن غذا معلوم نشود. حضرت علی (ع) دستش را به سوی غذا می‌برد ولی چیزی نمی‌خورد. وقتی مهمان از غذا خوردن فارغ شد. حضرت فاطمه چراغ را آورد. پس دید که ظرف پر از فضل خداوند است. تا اینکه صبح شد و امام علی (ع) با پیامبر نماز خواند. پیامبر وقتی سلام نماز را گفت، رو به امیرالمؤمنین کرد و شدید گریه کرد و گفت: ای امیرالمؤمنین! خداوند از عمل دیشب شما تعجب کرده و خوشحال است. سپس گفت: بخوان این آیه را: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۲۸)

در آیات دیگر قرآن کریم واژه ایثار نیامده ولی بیانگر مفهوم ایثار و فداکاری است، این آیات عبارت‌اند از:

آیه ۲۰۷ سوره بقره: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»

ترجمه آیه: و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد (مانند امیرالمؤمنین علیه السلام) و خدا به بندگان مهربان است.

آیه ۸ و ۹ سوره انسان: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۗ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»

ترجمه آیه: و غذا را در عین دوست داشتنش به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند و (می‌گویند) ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی از شما نداریم. شأن نزول این سوره، درباره ایثار اهل بیت (ع) است.

آیه ۱۶ سوره تغابن: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

ترجمه آیه: بنابراین به اندازه استطاعتی که دارید از خدا پروا کنید (و دعوت حق را) بشنوید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که خود را از بخل و حرص بازدارند، آنان رستگارانند.

آیه ۲۰ سوره توبه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»

ترجمه آیه: آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ‌تر و برتر است و فقط ایانند که کامیابند.

آیه ۵۸ سوره حج: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَتَلُوا أَوْ مَاتُوا لِيُرْزَقْنَهُمْ اللَّهُ رزقا حسنا و ان الله لهو خير الرازقين»

ترجمه آیه: و کسانی که در راه خدا هجرت کرده سپس کشته شده یا مرده‌اند، به یقین رزقی نیکو به آنان می‌دهد و قطعاً خدا بهترین روزی دهندگان است.

در این آیات به صور مختلفی به ایثار و فداکاری اشاره شده است. در آیه ۲۰۷ سوره بقره، ایثار جانی آمده است که شخص حاضر است برای رضای خدا جانش را فدا کند. در آیه ۸ و ۹ سوره انسان، به ایثار مالی اهل بیت (ع) به افراد نیازمند و مسکین اشاره شده است که بدون هیچ منت و انتظاری این کار را انجام می‌دهند. آیه ۱۶ سوره تغابن که یکی از آیات الأحکام قرآن کریم محسوب می‌شود، به ایثار مالی اشاره کرده است و آن را نشانه فلاح و رستگاری دانسته و در مقابل استیثار و بخل را موجب بدبختی بشر می‌داند. آیه ۲۰ سوره توبه بیانگر ایثار جانی و مالی است و آیه ۵۸ سوره حج نیز درباره جهاد و شهادت در راه خداست که آن را رزقی نیکو می‌داند که به ایثارگر داده می‌شود.

روایات و سخنان معصومین (ع) درباره فضیلت ایثار

روایاتی که درباره ارزش ایثار وجود دارد، بسیار بیشتر از آیاتی است که در قرآن وجود دارد، حال به ذکر چند نمونه از آنها پرداخته می‌شود:

صحیفه سجادیه، دعای ۲: «و هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ، وَ مَحَلَّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْرَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنْصَاراً عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ» (علی بن حسین (ع)، ۱۴۱۹)

ترجمه: و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزت دهد و بر (ضد) کافران به تو یاری طلبد.

الکافی، حدیث ۸: «أَخْبَرَنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ. فَقَالَ: يَا أَبَانَ، دَعَهُ لَا تَرُدَّهُ. قُلْتُ: بَلَى. جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَلَمْ أَزَلْ أُرَدِّدُ عَلَيْهِ. فَقَالَ: يَا أَبَانَ، تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي، فَقَالَ: يَا أَبَانَ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ حَدِيثًا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَقَالَ: أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدُ، إِنَّمَا أَنْتَ وَ هُوَ سَوَاءٌ؛ إِنَّمَا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْآخِرِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۷۲)

ترجمه روایت: مرا از حق مؤمن بر مؤمن، آگاه کن. گفت: ای ابان! این موضوع را بگذار و از آن، بگذر. گفتم: نه، فدایت شوم و به ایشان اصرار کردم. پس فرمود: ای ابان! داراییات را با او به دو نیم، قسمت می‌کنی. سپس به من نگریست و چون حالت دست داده به مرا دید، فرمود: ای ابان! مگر نمی‌دانی که خداوند عز و جل از ایثارگران، یاد کرده است؟ گفتم: چرا، فدایت شوم. فرمود: هرگاه داراییات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او یکسانید. وقتی ایثار می‌کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی.

الکافی، حدیث ۳: «أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهْدُ الْمُقِلِّ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، تَرَى هَاهُنَا فَضْلًا؟» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۸ و ۱۹)

ترجمه روایت: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «دهش بینوا. این سخن خدای عز و جل را نشنیده‌ای که و دیگران را بر خویش، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. آیا در اینجا مازادی می‌بینی؟

«الإِثَارُ فَضِيلَةٌ، الإِحْتِكَارُ رَذِيلَةٌ» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۲)

ترجمه: ایثار کردن، فضیلت است و انحصار طلبی، رذیلت.

«كُنْ عَقْوًا فِي قُدْرَتِكَ، جَوَادًا فِي عُسْرَتِكَ، مُؤْتِرًا مَعَ فَاقَتِكَ؛ يَكْمُلُ لَكَ الْفَضْلُ» (لیثی واسطی، بی‌نا، ج ۱: ۳۹۳)

ترجمه: در هنگامی که قدرت داری، باگذشت باش و در تنگدستی‌ات بخشنده و در وقت نیازمندی‌ات، ایثارگر باش تا فضل تو کامل گردد.

«مَنْ أَثَرَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعِزِّ فِي الْمُرُوءَةِ» (لیثی واسطی، بی‌نا، ج ۱: ۳۹۳)

ترجمه: کسی که ایثار کند، در مروت، به اوج رسیده است.

Religion , Spirituality and Quality of Life

«الأيثار أشرف الكرم و الأيثار أفضل الإحسان» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۱)

ترجمه: ایثار شریف‌ترین بزرگواری و بالاترین احسان است.

«حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ كَرَمِهِ إِيْثَارُهُ عَلَى نَفْسِهِ» (اربلی، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۰)

ترجمه: از بزرگواری مرد، همین بس که دیگران را بر خود، مقدم کند.

«الْجُودُ زَكَاةُ السَّعَادَةِ، وَ الْإِيْثَارُ عَلَى النَّفْسِ مُوجِبٌ لِاسْمِ الْكِرَامِ» (نویری، بی‌تا، ج ۳: ۲۰۴)

ترجمه: گشاده دستی، زکات نیک بختی است و مقدم داشتن دیگران بر خود، باعث عنوان بزرگواری است.

«الْإِيْثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْبِقَيْنِ» (سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۷)

ترجمه: ایثار، زیور زهد است و بخشیدن داشته‌ها، زیور بقین.

«هُمْ الْبِرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فازوا وَ اللَّهُ وَ أَفْلَحُوا» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۱، ج ۶: ۱)

ترجمه: آنان کسانی‌اند که در آسایش و سختی به برادرانیکمی می‌کنند و در هنگام تنگدستی ایثار می‌کنند. این‌گونه، خداوند، ایشان را توصیف کرده و فرموده است: و دیگران را بر خود، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آن‌ها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند. به خدا سوگند که اینان، کامیاب و رستگار شدند.

تعداد روایاتی که درباره ایثار در کتب روایی شیعه آمده، بیشمار است و به این چند نمونه از روایات که در اینجا به‌عنوان نمونه‌ای برای ادله فقهی آورده شده، محدود نمی‌شود؛ چرا که ما در این تحقیق به‌خاطر اختصارنویسی ناگزیر به ذکر چند نمونه از آن‌ها می‌باشیم. همچنین در بعضی کتاب‌های منسوب به ائمه (ع) از ایثار در قالب سخن، حکمت، نامه و دعا سخن گفته شده است. چنانکه می‌بینیم در این روایات و سخنان به‌طور صریح از فضیلت ایثار، ردیلت استیثار، مروت، احسان و بزرگواری ایثارگر و جایگاه آن‌ها در نزد خداوند متعال صحبت شده است. بدین ترتیب جای هیچ شک و شبهه‌ای در اینکه ایثار در نزد دین اسلام ستوده شده، باقی نمی‌ماند.

سخنانی درباره ردیلت استیثار

علاوه بر آیات قرآن، سخنانی از اهل بیت (ع) حول استیثار وجود دارد. چنانکه امام علی (ع) خودگزینی و استیثار را موجب بی‌عدالتی می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ» (شریف‌الرضی، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۰) هرکه به قدرت رسد، راه استیثار پیش گیرد.

در حکمت‌های منسوب به امام علی (ع) آمده است: «الاستئثار یوجب الحسد والحسد یوجب البغضة والبغضة توجب الاختلاف والاختلاف یوجب الفرقة والفرقة توجب الضعف والضعف یوجب الذل والذل یوجب زوال الدولة و ذهاب النعمة» انحصارطلبی، حسادت می‌آورد و حسادت، دشمنی و دشمنی، اختلاف و اختلاف، پراکندگی و پراکندگی، ضعف، زبونی و زبونی، زوال دولت و از میان رفتن نعمت. (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲۰: ۳۴۵)

امام علی (ع) درباره به خود اختصاص دادن امکانات اقتصادی در آنچه همه مردم در آن مساوی هستند، می‌فرماید: «و ایاک والاستیثار بما الناس فیه اسوء» (قطب‌راوندی، ۱۳۶۴: ۴۹۷) بر حذر باش از اینکه چیزی را به خود اختصاص دهی که بهره همه مردم در آن یکسان است.

بنابر این سخنان می‌توان گفت که استیثار از نگاه دین نکوهیده شده است. استیثار مسئله جدیدی نیست که مختص زمانه ما باشد بلکه از گذشته در تاریخ بشری در میان انسان‌ها وجود داشته است، چنانکه با مطالعه سیره عملی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌توان فهمید که آن‌ها در دوران زندگی و خلافتشان با همه توان کوشیدند که از بروز آفت خطرناک استیثار جلوگیری کنند. آن‌ها به سردمداران حکومت‌ها توصیه می‌کردند که از استیثار و انحصارطلبی دوری کنند اما آن‌ها گوش نکردند و گرفتار مصیبت استیثار شدند؛ اما استیثار فقط محدود به سیاست و حکومت نمی‌شود، بلکه در تمام جوانب و ابعاد زندگی انسان وجود دارد. استیثار و انحصارطلبی آنقدر زشت و پلید است که آن را در مواردی مانند استیثار فی‌ء، حرام دانسته‌اند.

حکم عقل بر ترجیح ایثار بر استیثار

فلاسفه‌ای که معتقد به حاکمیت عقل بر همه چیز و لزوم پیروی از آن در همه چیز هستند، پشتوانه مسائل اخلاقی را درک عقل از خوب و بد اشیاء می‌دانند؛ مثلاً می‌گویند عقل به‌خوبی درک می‌کند که شجاعت، فضیلت است و بزدلی و جبن ردیلت. بعضی دیگر پشتوانه را ادراک وجدان می‌دانند، می‌گویند وجدان که همان عقل عملی است، مهم‌ترین سرمایه انسان می‌باشد، عقل نظری را ممکن است فریب داد ولی وجدان چنین نیست و می‌تواند رهبر حقیقی بشر باشد. بنابراین همین که وجدان ما می‌گوید امانت، صداقت، ایثار، فداکاری، سخاوت و شجاعت خوب است، همین کافی است که ما را برای رسیدن به این نیکی‌ها بسیج کند و همین که می‌گوید بخل، خودخواهی و خودپرستی بد است، کافی است ما را از آن بازدارد. در اینجا عقل و وجدان به هم می‌رسند و پشتوانه خوبی برای نیل به فضایل اخلاقی و ایثار و فداکاری محسوب می‌شوند. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۵) مثلاً وقتی برای اعضاء خانواده یا گروهی مشکلی پیش آید و حل آن مشکل در گرو فدا کردن یکی از اعضاء باشد، عقل و وجدان آدمی به ایثار و فداکاری حکم می‌کند. اگر این ایثار و فداکاری در جهت منافع جمع، مورد پسند عقلای عالم باشد، مورد پسند خداست. همانگونه که قیام امام حسین (ع) را می‌توان عقلانی دانست؛ چون جان و مال و فرزندانش را در راه رضای خدا و برای زنده بودن اسلام از دست داد.

در واقع عقلانیت اجتماعی حکم می‌کند که انسان برای نیل به آرامش و امنیت و رفاه در زندگی اجتماعی، ضرورت دارد از برخی خواسته‌های نفسانی و امیال فردی خویش گذشت و ایثار کرده تا به رفاه عمومی و سعادت دنیوی برسد؛ زیرا دریافته است که رفاه و توسعه و سعادت فردی در گرو تأمین منافع عمومی اجتماع است. لذا استیثار و خودخواهی با تکامل و سعادت فردی و اجتماعی ناسازگار است.

آنچه عقل به تنهایی و بدون وجود خطاب و دلیل لفظی از کتاب و سنت بر آن دلالت دارد، حسن و قبح عقلی است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۱۸۸) عقل بشری حسن و قبح اشیاء را درک می‌کند و می‌تواند حکم به حسن یا قبح چیزی کند. شاید بتوان در اینجا قائل به ملازمه اصل «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع» شد؛ یعنی هرچه را که شرع به آن حکم کند، عقل هم به آن حکم می‌کند و هرچه را که عقل به آن حکم کند، شرع نیز به همان حکم می‌کند. به این صورت که شارع مقدس در قرآن کریم و روایات به ایثار سفارش کرده، آن را فضیلت دانسته و به آن حکم می‌کند. پس،

از حکم شارع به ایثار کشف می‌کنیم که عقل نیز نسبت به ایثار همین حکم را دارد، هرچند که عقل نتواند آن را درک کند. از سوی دیگر عقل بشری، ایثار را فعلی حسن دانسته است که مصالح و منافع جمعی را در پی دارد و از این حکم عقلی، کشف می‌کنیم که شرع نیز به ایثار همین حکم را می‌کند.

پایان بحث:

با توجه به آیات و روایاتی که درباره ایثار و استیثار بیان شد و همچنین نقش عقل بشری در ترجیح ایثار، می‌توان اذعان کرد که فقه و حقوق اسلامی به ایثار و فداکاری ارزش و بهای زیادی داده و استیثار و خودگزینی را منع کرده و آن را یکی از خطرناک‌ترین ضد ارزش‌ها می‌داند. نه در تنها در دین اسلام، بلکه در تمام ادیان و مذاهب اینگونه است که ایثار یک عمل اخلاقی مثبت و استیثار یک عمل منفور تلقی شده است. نیکویی ایثار و بدی استیثار ریشه در فطرت آدمی نیز دارد. هر انسانی بدون توجه به آیین و مذهبی که دارد، با رجوع به وجدان و درون خویش می‌تواند به خوبی و پسندیده بودن ایثار حکم کند. پس ایثار در همه جوامع و قشرها از کودک گرفته تا پیر، به صورت کم یا زیاد وجود دارد. این به خود ملت‌ها بستگی دارد که بتوانند چقدر فرهنگ ایثار را در جامعه نهادینه کنند و آن را گسترش دهند. هر ملتی که فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی در آن وجود داشته باشد، در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به خودشکوفایی و خودکفایی می‌رسد و از وابسته بودن رها می‌گردد. در جامعه‌ای که روحیه ایثار در آن وجود نداشته باشد و هرکسی به فکر منافع خودش باشد، سنگ خود را به سینه بزند و خودش را در هر چیزی در اولویت بداند، آن جامعه هرروز فقیرتر و ضعیف‌تر می‌شود و در نهایت سقوط می‌کند. با ایثار و فداکاری است که نهال نوع‌دوستی جان می‌گیرد، مشکلات فقر و اشتغال رفع می‌گردد، امنیت ملی کشور تأمین می‌شود و جامعه رنگ و بوی معنویت به خود می‌گیرد.

نتیجه گیری

فرهنگ ایثار و گذشت در تمامی جوامع بشری ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارد و از آموزه‌های مهم دینی است. این فرهنگ که ریشه در وارستگی انسان‌ها دارد به شکل‌های متفاوتی در جوامع بشری تجلی یافته است. این فرهنگ اگر گسترش یابد و به صورت فراگیر درآید، موجب هم‌بستگی و قدرت میان اعضای جامعه می‌شود. در ادیان بزرگی چون مسیحیت، یهود، زرتشت، بودا و ... از ایثار به اشکال مختلفی چون نوع دوستی، کمک به دیگران سخن گفته شده و از ارزش‌های مهم آن ادیان به شمار می‌رود. به برکت این فرهنگ است که حقایق اسلام پس از قرن‌ها هنوز زنده و پابرجاست. در این تحقیق، ارزش ایثار و پستی استیثار و آثاری که هردو در جامعه می‌گذارند، بیان شد سپس ادله و مبانی فقهی آنان در قرآن، سنت و عقل بررسی گردید و مشخص شد که آیات قرآن و روایات و عقل بشری بیانگر ارزش و منزلت ایثار و قبح استیثار هستند. قرآن کریم در تعدادی از آیات، درباره ایثار و نیکویی آن و اینکه ایثارگر را به فلاح و رستگاری می‌رساند، سخن گفته است. کتاب‌های روایی نیز پر است از اهمیت ایثار و دعوت به ایثارگری. قرآن و سنت، ایثار را مقدس و ایثارگر را گرامی می‌داند تا جاییکه خداوند فرموده است: شهیدان همواره زنده‌اند و در نزد من بسر می‌برند. پس نتیجه می‌گیریم که قرآن و سنت، ایثار را می‌پسندد و استیثار را نفی می‌کند. عقل آدمی نیز به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شیعه، حسن ایثار و قبح استیثار را در ک می‌کند، ایثار را ستوده و آن را برای ایجاد جامعه امن و برقراری روابط صحیح انسانی لازم می‌داند. درواقع این ایثار است که با مبانی فقهی سازگار است و استیثار چیزی جز حسادت، اختلاف، دشمنی، نابودی و هلاکت در پی ندارد. این وظیفه نهادها و سازمان‌های آموزشی است که از همان کودکی فرهنگ ایثار را به مردم بیاموزند و این حس فداکاری را از همان کودکی در وجودمان پرورش دهند تا جامعه ایرانی به تعالی و عظمت الهی دست یابد و فضای مناسبی برای فرج آقا امام زمان (عج) ایجاد شود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، عابدزاده، ۱۳۹۲.
- ۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غررالحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، معجم مقائیس اللغه، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.
- ۵- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، بی تا، شرح نهج البلاغه، بی جا، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ۶- اربلی، علی بن عیسی، بی تا، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، بیروت، بی تا.
- ۷- طباطبائی، سید محمد حسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا، منشورات اسماعیلیان.
- ۸- اسحاقی، سید حسین، ۱۳۸۷، زندگی نامه و اندیشه های استاد شهید مرتضی مطهری، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- ۹- المهدی، حسین بن محمد، بی تا، صید الافکار فی الادب والاخلاق والحکم والامثال، بی جا، بی تا.
- ۱۰- جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۱، الاصول الستة عشر من الاصول الاولیه، قم، دارالحدیث.
- کس- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱، لغت نامه دهخدا، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، بی تا.
- ۱۳- رحمانی، مهناز، ۱۳۹۱، ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه ملی، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- ۱۴- سامانی، سید محمود، ۱۳۹۱، فرهنگ ایثار در اسلام و راه های ترویج آن در جامعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۵- سبزواری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الأخبار، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- ۱۶- شریف الرضی، محمد بن حسین، بی تا، نهج البلاغه، بی جا، دارالکتاب اللبنانی.
- ۱۷- صفار، محمد بن حسن، بی تا، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، بی جا، بی تا.
- ۱۸- عزیزی، بیتا، ۱۳۹۳، شناسایی و تحلیل مفهوم ایثار در آیات و روایات و بررسی آثار تربیتی آن (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شاهد، ایران.
- ۱۹- علی بن حسین (ع)، ۱۴۱۹، الصحیفة السجادیة الکاملة، چاپ اول، تهران، مشعر.
- ۲۰- قربانی، سعید، ۱۳۹۴، آسیب های پیش روی فرهنگ ایثار و شهادت و راهکارهای صیانت از آن ها از منظر مقام معظم رهبری، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۸۵، ص ۳۰-۴۹.
- ۲۱- قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۳۶۴، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامه.
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳- لطیفی، محمود، ۱۳۷۹، عدالت اجتماعی در حکومت علوی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۵-۵۵.
- ۲۴- لیشی واسطی، علی بن محمد، بی تا، عیون الحکم والمواظ، بی جا، بی تا.
- ۲۵- مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرصت ها و چالش های فراروی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۲۶- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، دانشنامه میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ۲۷- محمودی، محمدباقر، ۱۹۸۶، نهج السعادة فی المستدرک نهج البلاغه، چاپ اول، نجف، مؤسسه النعمان.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷، دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).

مؤ-مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، بی جا، مؤسسه الوفاء.

۳۱-ناظمی اردکانی، مهدی، ۱۳۹۳، چگونگی ارتقاء فرهنگ ایثار و شهادت، چاپ اول تهران، انتشارات آثار فکر.

۳۲-نراقی، مهدی بن ابی ذر، بی تا، جامع السعادات، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۳۳-نویری، احمدین عبدالوهاب، بی تا، نهاییه الارب فی فنون الادب، بی جا، بی نا.